

سوم خرداد سالروز فتح خرمشهر گرامی باد



فتح خرمشهر فتح خاک نیست  
فتح ارزشهای اسلامی است

امام خمینی (ره)

مدرسه علمیه حضرت زینب(س)

شهرستان امیدیه

بهار ۱۴۰۰

## خرمشهر و حماسه مقاومت

خرمشهر، حکایت مقاومت روزهای نخست جنگ تحمیلی و سرگذشت سلحشورانی است که با دست خالی، متجاوز مسلح را در بیش از یک ماه نبرد به روز سیاه نشاندهند و جسم خود را سنگ کردند تا از کیان اسلامی و سرزمین ایران دفاع کنند. ارتش بعثی در فکر تصرف سریع این شهر و از آنجا محاصره و تسخیر آبادان بود، همچنین رؤیایی هجوم همه جانبه به دشت های خوزستان و سیطره بر اهواز را در ذهن مخدوش خویش می پرورانید اما هیچ وقت فکر نمی کرد در خرمشهر تلفات سنگینی را متحمل شود و چون موفق نشدند از طریق جاده شلمچه و صد دستگاه و انبارهای عمومی، بندر شهر را تصرف کنند ناگزیر گردیدند شهر را دور بزنند که در آنجا هم مردم چون سدی استوار در برابر دشمن قرار گرفتند. با کدام معیار می توان جنگ نابرابر تفنگ را با سلاح های سنگین و پیشرفته و ارتشی کار آزموده و تعلیم دیده به قیاس نشست و اگر نبود خیانت کسانی که دل در تعلقات دنیا داشتند و مشغول هوای نفس بودند دشمن کینه توز برای همیشه نابود و مایوس می گردید. وقتی بخشی از خرمشهر اشغال گشت دلاوران، سنگرهای مقاومت را به آن سوی کارون و اروند بردند و به انتظار روزهای فتح و ظفر نشستند البته آنان از خیانت منافقین و لیبرال ها که به ظاهر برای دفاع از انقلاب آمده بودند و در باطن می خواستند مقاومت نیروهای ارزشی را مخدوش سازند، رنج فراوان می بردند. خرمشهر قهرمان پس از ۳۵ روز مقاومت قهرمانانه، به دست دژخیمان بعثی اشغال شد.

## مسجد جامع خرمشهر، سنگر مقاومت

خرمشهر زیر آتش بود و رزمندگان ایرانی که از شهر دفاع می کردند. در حقیقت از تمام ایران دفاع می کردند. تمام راه ها هم به مسجد جامع ختم می شد. آنجا قلب تپنده شهر بود. عراقی ها که حمله کردند. مسجد جامع شد مرکز برنامه ریزی های مقاومت خرمشهر، نه، بگو مرکز تمام ایران! سلاح ها را جمع کرده بودند در مسجد جامع، و مردم، حتی زن ها، می آمدند شناسنامه شان را می دادند، سلاح تحویل می گرفتند. هر کس سلاح، مهمات و آب و غذا می خواست، به مسجد جامع می رفت. هر واحد که نیاز به نیرو داشت، از مسجد جامع کمک می گرفت. هماهنگی بین نیروها و پایگاه ها از طریق مسجد جامع انجام می شد.

در مسجد زن ها و دخترها به پخت و پز مشغول بودند و جیره جنگی آماده می کردند تا مدافعان خسته شهر را یاری کنند. هر کسی مجروح می شد، می بردندش مسجد جامع. شهدا را هم از آنجا می بردند به جنت آباد و تند و تند دفن می کردند. مسجد جامع محل استراحت بچه ها بود. فقط در مسجد می شد شب ها را گرد آمد و استراحت کرد. دشمن اول نمی دانست بچه ها کجا جمع می شوند، اما رادیو آن قدر گیج بازی در آورد که عراقی ها جای بچه ها را فهمیدند. دیگر مسجد جامع هم زیر آتش خمپاره بود.

## شهید جهان آراه فرمانده سپاه خرمشهر

من مایلم این جا یادی از «محمد جهان آراه» شهید عزیز خرمشهر و شهدایی که در خرمشهر مظلوم آن طور مقاومت کردند بکنم. آن روزها بنده در اهواز از نزدیک شاهد قضایا بودم. خرمشهر در واقع هیچ نیروی مسلحی نداشت؛ نه که صدویست هزار نداشت بلکه ده هزار، پنج هزار هم نداشت. چند تانک تعمیری از کار افتاده را مرحوم شهید «اقارب پرست» - که افسر ارتشی بسیار متعهدی بود - از خسروآباد به خرمشهر آورده بود، تعمیر کرد. (البته این مال بعد است. در قسمت اصلی خرمشهر که نیرویی نبود). محمد جهان آراه و دیگر جوانان ما در مقابل نیروهای مهاجم عراقی - یک لشکر مجهز زرهی عراقی با یک تیپ نیروی مخصوص و با نود قبضه توپ که شب و روز روی خرمشهر می بارید - سی و پنج روز مقاومت کردند. همان طور که روی بغداد موشک می زدند، خمپاره ها و توپهای سنگین در خرمشهر روی خانه های مردم مرتب می باریدند. با این حال جوانان ما سی و پنج روز مقاومت کردند؛ اما بغداد سه روزه تسلیم شد! ملت ایران! به این جوانان و رزمندگان افتخار کنید. بعد هم که می خواستند خرمشهر را تحویل بگیرند، دوباره سپاه و ارتش و بسیج با نیرویی به مراتب کمتر از نیروی عراقی رفتند خرمشهر را محاصره کردند و حدود پانزده هزار اسیر در یکی دو روز از عراقیها گرفتند. جنگ تحمیلی هشت ساله ی ما، داستان عبرت آموز عجیبی است. من نمی دانم چرا بعضیها در ارائه ی مسائل افتخارآمیز دوران جنگ تحمیلی کوتاهی می کنند. (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه ی تهران (۲۲ / ۱ / ۱۳۸۲))

خرمشهر دو سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دختران و زنانی دارد که خالق حماسه های مقدسی باشند که هر انسانی می تواند بر آن افتخار کند. حضور دختر یا زنی مسلمان در رویارویی مستقیم با دشمنی که به هیچ پیمان دینی، اخلاقی و انسانی پای بند نیست، بسیار دشوار و خطرآفرین است و همین نکته، دفاع مقدس را از دیگر نبردها ممتاز می کند. تمامی بانوانی که برای دفاع از حیثیت دینی و ملی خود در خرمشهر ماندند، کاملاً داوطلبانه و به دور از هرگونه اجباری، این کار را کردند. در حماسه ۳۵ روزه مقاومت خرمشهر، زنان نقش بسزایی ایفا کردند. آن ها در واقع میدان دار اصلی این فعالیت سخت و جانفراسا بودند. با کم شدن تعداد مردان، زنان بار امدادگری و رسیدگی به مجروحین را به دوش گرفتند. فعالیت های آنان عبارت بودند از پرستاری و انتقال مجروحین به بیمارستان، نظافت محیط بیمارستان، شناسایی شهدا، حفر زمین برای تدفین آنان و حتی نگهبانی از اجساد مطهرشان در قبرستان خرمشهر. در اینجا بود که زنان حتی سلاح برداشتند و دوشادوش مردان جنگیدند.

### فتح خرمشهر، حماسه پیروزی

در ساعت دو بعد از ظهر روز سوم خرداد ۱۳۶۱، پس از ۲۴ روز رزم بی امان، خرمشهر به طور کامل آزاد شد و پرچم پرافتخار الله اکبر، بر فراز مسجد جامع و پل تخریب شده خرمشهر به اهتزاز در آمد. خرمشهر، این شهر مقاوم که پس از ۳۵ روز پایداری و مقاومت، در چهارم آبان ماه ۱۳۵۹، به اشغال دشمن درآمده بود، پس از ۵۷۸ روز (نوزده ماه) اسارت، بار دیگر به آغوش گرم میهن اسلامی بازگشت. رزمندگان اسلام در اولین اقدام، نماز شکر را در مسجد جامع خرمشهر اقامه کردند. خبر آزادسازی خرمشهر، به سرعت در همه جا طنین افکند و ملت مسلمان ایران را که مدت ها در آرزوی شنیدن چنین خبر مسرت بخشی بودند، غرق شادی و سرور کرد. مردم به خیابان ها ریختند و با پخش شیرینی، به جشن و شادی پرداختند. و با فرارسیدن شب، بر پشت بام ها ندای الله اکبر سر دادند. عملیات پیروزمندان بیت المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر پس از ۵۷۵ روز گردید، ضربه اساسی و تعیین کننده ای بر پیکر دشمن وارد ساخت و تمامی معادلات، باورها و ذهنیت هایی را که در مورد توانایی و قابلیت های نظامی جمهوری اسلامی ایران وجود داشت، تغییر داد. بسیاری از کارشناسان نظامی و تحلیل گران رسانه های خارجی، در برابر «سرعت عمل» و «ویژگی های عملیاتی» نیروهای ایرانی به هنگام فتح خرمشهر، غافلگیر، مبهوت و شگفت زده شدند.



### حفظه الله

سپاس بی حد بر خداوند قادر که کشور اسلامی و رزمندگان متعهد و فداکار آن را مورد عنایت و حمایت خویش قرار داد و نصر بزرگ خود را نصیب ما فرمود. این جانب با یقین به آنکه «مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح، که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیة الله الاعظم - ارواحنا لمقدمه الفداء - را از چنگ گرگان آدمخوار که آلت هایی در دست ابرقدرتان خصوصاً آمریکای جهان خوانند، بیرون آورد و ندای الله اکبر را در خرمشهر عزیز طنین انداز کرد و پرچم پر افتخار لا اله الا الله را بر فراز آن شهر خرم - که با دست پلید خیانتکاران قرن به خون کشیده شده و خونین شهر نام گرفت - [بیافراشت] تشکر می کنم و آنان فوق تشکر امثال من هستند. آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و برپاکنده عدل الهی در سراسر گیتی - روحی لتراب مقدمه الفداء - می باشند. آنان به آرم «ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» مفتخرند. فتح خرمشهر، یک مسأله عادی نبود. این که پانزده الی بیست هزار نفر به صف برای اسارت بیابند و تسلیم شوند، مسأله عادی نیست، بلکه مافوق طبیعت است.

### مقام معظم رهبری:

«خرمشهر را خدا آزاد کرد». این معنایش این بود که فرماندهان مسلحی که این همه سختی کشیده بودند، این همه رنج برده بودند، آن خون دلها را خورده بودند، چقدر شهیدهای خوب و بزرگ ما در همین فتح بیت المقدس دادیم، بر اثر این همه مجاهدت، حالا این کار بزرگ انجام گرفته، این ها مغرور نشوند. سیاسیونی که در مساند قدرت نشستند، از این پیروزی بزرگی که در عرصه ی سیاسی برایشان پیدا شد، بر اثر این حادثه مغرور نشوند «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی»؛ من و شما کاره ای نیستیم؛ دست قدرت الهی است.

منبع: